

آموزش نگارش فارسی: آسیب‌ها و راهکارها

مهرداد اصغرپور ماسوله^۱

مهری قره گزی^۲

چکیده

در آموزش زبان، مهارت نگارش تأثیر مستقیمی بر درک مطلب، تفکر منطقی و بیان منسجم دارد. با این حال در نظام آموزشی ما هیچ‌گاه، مواد درسی منسجم و هدفمند برای آموزش و ارزشیابی مهارت نگارش تدوین نشده و آموزش و ارزشیابی آن همچنان سنتی و سلیقه‌ای است. در واقع آموزش و ارزشیابی مهارت نگارش همچنان بر مبنای ذوق، استعداد و خلاقیت معلم و دانش‌آموز انجام می‌شود. به همین دلیل ضرورت دارد به دنبال یافتن آسیب‌های آموزش نگارش و راهکارهایی برای رفع آن و بهبود وضعیت این مهارت باشیم. بدین منظور این پژوهش با هدف یافتن شیوه‌ای برای تقویت نگارش با عنوان *آموزش نگارش فارسی: آسیب‌ها و راهکارها* نوشته شده است. نگارندگان این پژوهش، تلفیق آموزش اصول و مفاهیم نظری و فعالیت‌های عملی و مهارتی را راهکار تقویت آموزش علمی و ارزشیابی دقیق نگارش می‌دانند و لذا، بر این باورند که ضرورت دارد به منظور تقویت نگارش، محتوای آموزشی و ارزشیابی مناسب بر اساس موضوعات آموزش مهارت نگارش زبان و مفاهیم پایه زبان فارسی، تدوین شود. مهم‌ترین مباحثی که در تدوین این محتوا باید مد نظر قرار گیرند، شامل چگونگی دستیابی به ابعاد موضوع نگارش، آموزش واژگان پرکاربرد و کلیدی هر سر فصل با بار عاطفی خاص خود، آموزش به‌کارگیری ساختار جمله‌های ساده و مرکب آن مبحث، آموزش روش‌های ارائه آن سر فصل برای انسجام بخشیدن به متن، آموزش نوشتن شروع و پایان متناسب و توجه به انواع ویرایش‌هاست.

کلید واژه: آموزش زبان فارسی، آسیب‌های نگارش، مهارت‌های زبان، برنامه‌ریزی مهارت نگارش و انشا.

نخستین همایش آموزش زبان فارسی

۱. مقدمه

دستیابی به مهارت نگارش، نه تنها تأثیر مستقیم بر درک مطالب درسی دارد، بلکه باعث می‌شود دانش‌آموزان در آینده بتوانند، پاره‌ای از نیازهای اجتماعی خود را برطرف کنند. با این حال، این مهارت در نظام آموزشی ما همچنان مغفول مانده است، تا آن‌جا که ساعات آموزش نگارش و انشا در تمامی سطوح آموزشی، تنها با تکیه بر ذوق، استعداد و خلاقیت معلم و دانش‌آموز گذرانده می‌شود. به عبارتی، در نظام آموزشی کشور ما هیچ‌گاه محتوای منسجم و هدفمند برای آموزش نگارش و ارزشیابی آن طراحی نشده و آموزش و ارزشیابی نگارش همچنان سنتی و سلیقه‌ای است. به همین دلیل ضرورت دارد به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش باشیم که راهکار بهبود وضعیت مهارت نگارش چیست. در واقع این پژوهش با هدف تقویت نگارش با عنوان *آموزش نگارش فارسی: آسیب‌ها و راهکارها*، نوشته شده است.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس mehrdadasgharpur@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دانش‌آموخته دانشگاه علامه طباطبائی mehri_gharehgzai@yahoo.com

در این پژوهش ابتدا پیشینه‌ای از وضعیت نوشتن در برنامه درسی ایران و دیگر کشورهای جهان از گذشته تا به امروز بیان گردیده، همچنین دو مبنای نظری حاکم بر مهارت نوشتن ارائه شده‌است. سپس به آسیب‌شناسی وضعیت مهارت نگارش در نظام آموزش کشورمان پرداخته شده. در نهایت اصول آموزش عملی مهارت نگارش بیان گردیده و راهکار بهبود مهارت نگارش، یعنی، تلفیق آموزش مفاهیم و اصول نظری و فعالیت‌های عملی و مهارتی، تشریح شده‌است.

۲. پیشینه نگارش

آموزش زبان و ادبیات، موضوعی است که از دیرباز در تمامی کشورها اهمیت داشته و بر آن تأکید شده‌است. در ابتدا آموزش زبان و ادبیات به صورت شفاهی بود و به آموزش اصول ادبی آثار بزرگان و بلاغت قدیم محدود می‌شد و در این میان، فن سخنوری اهمیت ویژه‌ای داشت، اما بعدها به صورت مکتوب و در قرن هیجدهم به صورت برنامه‌ریزی شده درآمد (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۳). به این ترتیب مهارت نوشتن حائز اهمیت زیادی گردید و به دنبال آن، بسیاری از مؤسسات آموزشی در سراسر دنیا، مسئولیت آموزش نگارش را به عهده گرفتند. با این حال در کلاس‌های زیادی که برای آموزش اصول نگارش صحیح تشکیل می‌شد، همچنان با همان روش قدیم، یعنی، استفاده از متون ادبی فصیح به دانش‌آموزان، مهارت نوشتن، آموزش داده می‌شد (کلارک^۳، ۲۰۱۲: ۴). از آن دوران تاکنون برای تقویت مهارت نگارش، کوشش‌های بسیاری برای جمع‌آوری قوانین نوشتن و راه‌های آموزش آن انجام گردیده و کتاب‌های زیادی نوشته شده‌است. این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد و هنوز هم دغدغه مهم معلمان و دست‌اندرکاران آموزش، یافتن بهترین محتوا و روش برای آموزش نوشتن است.

ایرانیان نیز آموزش زبان را با آموزش اصول ادبی آثار بزرگان و بلاغت آغاز کردند. در ایران قدیم برای تربیت دبیر و نویسندگان از روش استاد-شاگردی استفاده می‌شد، آن‌هم فقط در سطوح بالا که لازم بود مطلبی نوشته شود. هر استادی زیردست خود چند شاگرد داشت که تنها یکی دو تن از آنان، پس از سال‌ها می‌توانستند جای استاد بنشینند (سمعی، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۴). اما رفته‌رفته شیوه‌های تدریس در مکتب‌خانه‌های سنتی جای خود را به روش-های فعلی تدریس سپردند، یعنی، کم‌کم خواندن و نوشتن رونق گرفت تا آن‌جا که برای آموزش آن، تشکیلاتی شکل گرفت و قواعد و برنامه‌هایی تنظیم گردید.

در برنامه‌ریزی‌های نظام نوین آموزش، نام نگارش و انشا از همان اول، وجود داشته‌است. از اولین و بهترین مصوبه‌های آموزشی، مصوبه سال ۱۳۱۶ش. است که در آن هدف انشا، آموزش فکر و بیان بر اساس اصول صحیح بیان شده‌است. هرچند این مصوبه بین مهارت نگارش و درس انشا که سطح عالی و زیر مجموعه مهارت نگارش است، تفاوتی قائل نشده، اما تأکید بر آموزش صحیح، نقطه قوت این مصوبه است. در مصوبات سال‌های بعد نیز در تمام برنامه‌ریزی‌های آموزشی (چه در برنامه‌ریزی نظام قدیم و نظام جدید و چه در سند تحول آموزش و پرورش)، برای انشا اهدافی همچون در نظر داشتن عنصر نوشتن، به‌کارگیری فکر و قوه استدلال، پیوند فکر در گفت‌وشنود آورده شده‌است (شهرآرای، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۳۴).

۳. مبانی نظری

پژوهشگران آموزش زبان، سال‌هاست که در لزوم آموزش مهارت‌های زبان به اتفاق نظر رسیده‌اند (گواه این نکته را در پیشینه آموزش زبان و ادبیات ایران و جهان به وضوح می‌توان دید). آنچه در این‌باره مورد اختلاف است،

³ - Clark

تعریف و حدود مهارت‌های زبان و روش‌های آموزش آن است. مواردی که در کشور ما بر مبنای دو جنبه متفاوت شکل گرفته است.

یک نوع نوشتن، واجد جنبه هنری است. این جنبه نوشتن، زیر مجموعه ادبیات است و با این که لطف و زیبایی خاصی به زندگی و روح انسان می‌بخشد، از لوازم زیستن در عصر حاضر نیست. به این جنبه از نوشتن، در کشور ما از روزگاران گذشته توجه شده است و به همین دلیل اغلب به جای عنوان نگارش با لفظ انشا از آن نام می‌برند. تعریف انشا در این نوع نگرش، به وجود آوردن، از خود چیزی گفتن و سخن‌پردازی کردن است (معین: ۱۳۷۱). در واقع انشا به معنای خلق کردن و پدید آوردن چیزی است که تاکنون وجود نداشته است و در اصطلاح نوشته‌ای است که نویسنده آن را از ذهنیات خود و گنجینه واژگان ذهن خویش انتخاب کرده و می‌نویسد.

نوع دیگر نوشتار، جنبه ارتباطی و اجتماعی دارد و از لوازم زندگی امروزی است. این نوع، شامل نوشته‌هایی است که نگارنده در آن به بیان مسائل مختلف مانند دیدگاه‌های علمی و اجتماعی، گفتار آموزشی، زندگی روزمره و ... می‌پردازد. در این نوع نوشتن، نگارش محدود به یک سری اصول و قوانین محدود و بدون تغییر نمی‌شود و مهارت نگارش نیز مانند مهارت سخن گفتن، با توجه به گویش^۴ و سیاق^۵ سخن، انواعی پیدا می‌کند. به طور مثال، نوشتن داستان با نوشتن یک مطلب علمی فرق دارد. بنابراین، هدف از آموزش نگارش، آشنا کردن دانش‌آموزان با شرایط و ساختار موقعیت‌هایی است که در مقام نویسنده با آن‌ها مواجه خواهند شد. آشنایی آنان با گونه‌های مختلف، کمک زیادی به تکمیل مهارت نگارش آن‌ها می‌کند (میلر^۶، ۱۹۸۴).

باید توجه داشت که دانش‌آموزان ممکن است بتوانند این گونه‌ها را از راه کوشش و خطا و یا برخوردهای متوالی با آن‌ها، یاد بگیرند، ولی آموزش صریح آن‌ها، در یادگیری سریع‌تر و موثرترشان، اهمیت زیادی دارد (ویلیامز و کلمب^۷، ۱۹۹۳). به همین دلیل در این رویکرد، به انواع نگارش، اهداف و روش آموزش آن توجه می‌شود.

بر مبنای دو تعریف فوق در زمینه روش آموزش مهارت نگارش، دو رویکرد کلی وجود دارد. برخی پژوهشگران معتقدند که مهارت نوشتن، تولید مکتوب جمله‌های درست یک زبان و انتقال آن‌ها از طریق واسطه دیداری (خط) است (ویدوسون^۸، ۱۹۹۶: ۶۲). این نگاه سنت‌گرایانه، نگارش را محصول متن می‌داند، نه فرایند ذهن. در واقع این نگاه بر خصیصه‌های متنی در سطح جمله تأکید دارد و معتقد است که خطاهای دانش‌آموزان را باید بر اساس معیارهای واحد، بلافاصله پس از رخداد تصحیح کرد و از آثار ادبی باید برای نمایاندن الگوهای خوب نگارشی و محتوای نگارشی دانش‌آموزان استفاده کرد. این رویکرد که به شدت معلم-محور است، بیشتر به بحث و بررسی در مورد آثار برجسته ادبی می‌پردازد (همان‌جا). برنامه‌ریزی آموزشی نگارش و کتب درسی در کشور ما تاکنون تحت تأثیر این نگرش بوده است.

گروه دیگر صاحب‌نظران همچون بیرن^۹ (۱۹۸۸: ۱) نوشتن را عمل شکل‌بخشی و ترکیب حروف و معنابخشی به آن می‌دانند. آنان معتقدند که نوشتن، فعالیتی عینی و شناختی است که در آن نویسنده از قواعد خاص متغیرهای زبانی، شامل محتوا، سازمان‌دهی، واژگان، کاربرد زبان و ساز و کار متن برای بیان اندیشه خود استفاده می‌کند. این متخصصین به نگارش به عنوان یک فرایند (و نه صرفاً یک محصول) می‌نگرند و در مراحل آفرینش

⁴ - dialect

⁵ -register

⁶ -genre

⁷ -Miller

⁸ -Williams & Colomb

^۷ - Widdoson.

⁸ - Byrne

نوشته، به عناصر ابداع و مرور، مخاطب، هدف و معیارهای وابسته با بافت می‌پردازند. این رویکرد دانش‌آموز-محور، بیشتر بر متن‌های تولیدی دانش‌آموزان، راهکارهای فعال و همکاری آن‌ها تأکید دارد. تا جایی که نگارندگان این پژوهش تحقیق نموده‌اند، تاکنون پژوهشی در کشور برای نشان دادن این که کدام یک از این دو رویکرد، سودمندتر و مؤثرتر است، انجام نشده، اما آسیب‌شناسی آموزش نگارش در کشور، نشان می‌دهد که رویکرد سنتی و معلم-محور، توفیقی در تقویت نگارش نداشته است. توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در زبان‌های دیگر، نشان می‌دهد که کفه ترازو به نفع رویکرد دانش‌آموز-محور است (برای نمونه مراجعه کنید به پنورس و جیسلر^{۱۱}، ۱۹۹۴). به همین دلیل این رویکرد، پایه مبانی نظری این تحقیق قرار گرفته است.

۴. آسیب‌شناسی آموزش نگارش در کشور

از ابتدای شکل‌گیری آموزش و پرورش تا اجرایی شدن سند تحول هیچ‌گاه کتاب اختصاصی برای درس نگارش و انشا طراحی نشده بود. پس به‌ناچار برای مشخص کردن چگونگی تأمین اهداف و مصوبات نظام آموزش کشور در زمینه مهارت نگارش به وسیله کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. در کشور ما مانند کشورهای دیگر، کتاب‌های ملی و رسمی در دوره ابتدایی، با هدف اصلی آموزش مهارت-های زبان در سطوح مقدماتی نگاشته شده است. در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی (اکبری شلدره‌ای و همکاران: ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) ادبیات فارسی بر زبان فارسی سایه انداخته و کتاب‌های فارسی با رویکرد ادبی تنظیم گردیده است. در این کتاب‌ها، هرچا زبان فارسی مطرح شده یا دستور زبان پایه مد نظر قرار گرفته یا مطالبی به صورت غیر منسجم و مبهم آورده شده است و در عمل از این کتاب‌ها نمی‌توان به مهارت‌های زبان به ویژه به مهارت نگارش دست یافت. زنگ انشا هم با تکیه بر ذوق، استعداد و خلاقیت معلم و دانش‌آموز گذرانده می‌شود؛ البته ذوقی که بر مبنای علمی، تربیت نشده، استعدادی که آموزش ندیده و شکوفا نگردیده و خلاقیتی که پرورش داده نشده است. در دوره متوسطه، کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی از هم جدا گردیده است. در کتاب‌های زبان فارسی (حق‌شناس و همکاران: ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۲) چهار مبحث دستور زبان، املا و بیاموزیم، زبان‌شناسی و نگارش گنجانده شده است. با این حال در این کتاب‌ها فقط به ارائه تعاریف اصطلاحات نگارشی، بسنده شده و گرچه تمرین‌هایی در پی مباحث نظری مطرح گردیده است، اما راه و روش عملی نگارش، آموزش داده نشده و بیشتر مثال‌ها و تمرین‌های این کتاب‌ها نیز با رویکرد ادبی شکل گرفته است. به عبارتی، ارائه تعاریف و توصیه‌های نظری و رویکرد ادبی بر کتاب‌های دوره متوسطه نیز سایه انداخته و نتیجه این عدم جدایی زبان فارسی از ادبیات فارسی در نگرش و عمل، موجب تغفل از آموزش عملی مهارت‌های زبانی در کل نظام آموزش و پرورش شده است. در واقع در نظام آموزشی ما برای هیچ‌یک از مهارت‌های زبانی به ویژه مهارت نگارش، طراحی روش‌مند و اصولی وجود ندارد (قادری‌دوست و دانای‌طوسی، ۱۳۸۹: ۲۴ و ۲۵) و این مسأله در مقایسه محتوای مهارتی زبان در نظام آموزش ایران با برخی کشورهای پیشرفته مانند کانادا، آمریکا، انگلستان و ... کاملاً مشهود است (دانای‌طوسی و کیامنش، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۷۵).

پس از اجرایی شدن سند تحول در آموزش و پرورش، ساختار کتاب‌های درسی تغییر کرد. در همین راستا، برای دوره متوسطه اول، کتاب‌های جدیدی با عنوان «آموزش مهارت‌های نوشتاری (انشا و نگارش)»، با هدف اصلی پویایی فکر و پرورش ذهن تألیف گردیده است (رجوع شود به راهنمای معلم، ۱۳۹۳: ۸). باید انصاف داد که تألیف

کتاب نگارش فارسی، کاری بسیار دشوار است، زیرا عرصه بسیار پرپیچ و خم و گسترده‌ای است، اما سوال این است که مؤلفان تا چه حد توانسته‌اند به مقصود خود برسند؟

اکبری از مؤلفین کتاب‌های آموزش مهارت‌های نوشتاری (انشا و نگارش) درباره کتاب نگارش هشتم می‌گوید: «این کتاب، یک کتاب ساخت‌مند در قیاس با کتاب‌های پیشین است» (وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۳۹۳)، گزارش نقد و بررسی کتاب انشا (پایه هشتم)). این نگرش، قابل احترام است، اما باید توجه داشت که تاکنون کتاب مستقل انشا یا نگارش در ساختار آموزشی ما نبوده که بتوان آن را با کتاب‌های حاضر، مقایسه کرد. شاید، منظور، کتاب‌هایی بوده که در طول چند دهه اخیر با عنوان "آیین نگارش" نوشته شده است، یعنی، کتاب‌هایی که در اکثر آن‌ها ابتدا به مباحث دستوری پرداخته شده و پس از آن، متن‌هایی نمونه ارائه شده است که دانش‌آموزان با الگو قرار دادن آن‌ها، قرار است به مهارت لازم در نوشتن برسند.

اکبری (همان‌جا) همچنین بیان می‌دارد که «ما در نظام آموزشی به دنبال شاعرپروری و نویسنده‌پروری نیستیم، بلکه به دنبال این هستیم تا فردی آموزش دهیم که بتواند حرف خود را بزند. سعی کردیم که یک نگرش مهارتی در کتاب داشته باشیم و همین نیز رویکرد اصلی ماست. با توجه به این نگرش، از رویکرد انشاگونه دوری کرده‌ایم». با توجه به این مطلب، «در اولین برخورد با کتاب مهارت نوشتاری (۱) و (۲) (نگارش و انشا) این سوال پیش می‌آید که چرا این کتاب دو اسم دارد!» (میرکیانی: همان‌جا) و چرا در حالی که مؤلفین کتاب معتقدند به دنبال نگرش مهارتی در کتاب بوده‌اند و به همین دلیل از رویکرد انشاگونه دوری کرده‌اند، نام انشا بر روی کتاب گذاشته شده است. آیا به این دلیل نیست که این کتاب هم ادامه شیوه قدیمی انشا و نوشتن است؟ زیرا، به عنوان نمونه، در این کتاب‌ها چند صفحه، به چند نوشته نمونه و چند تکلیف نوشتنی اختصاص داده شده است؛ یعنی، به دانش‌آموزان متنی ارائه شده و در آن قسمت‌های مختلف انشا (موضوع، مقدمه، بدنه و نتیجه) نشان داده شده و بعد از آن‌ها خواسته شده است که در مورد یکی از سه موضوع داده شده انشایی بنویسند. در حالی که در فرایند نگارش قبل از تولید حصول نهایی، دانش‌آموزان باید روند کامل آن، یعنی، از گام اول، تولید اندیشه و نظم‌بخشی به آن، تا به نگارش درآوردن افکار به صورت جمله‌های درست و بازنویسی آن‌ها و در نهایت ویرایش جملات را در عمل، آموزش ببینند، تا کم‌کم به توانایی تولید متن‌های بلند که غایت یک برنامه درسی است، برسند.

در زمینه اهداف کتاب درسی در ساختار آموزش، آنچه اهمیت دارد اجرایی کردن و تدوین محتوای قابل دستیابی به اهداف است، نه فقط داشتن اهداف عالی. نکته‌ای که در کتاب نگارش هشتم (و البته هفتم) به آن توجهی نشده است، زیرا، «در درس‌ها این کتاب از توضیحات غیر سودمند و حتی مخرب زیادی استفاده شده است تا جایی که این کتاب باید تبدیل به کتاب راهنمای معلم می‌شد و معلم از آن استفاده می‌کرد، ولی اکنون دانش‌آموز به جای اینکه به صورت عملی نویسندگی را بیاموزد به سوی مطالعه سوق پیدا کرده است. این کتاب مبتنی بر یک راهنمای برنامه‌ای نیست» (ذوالفقاری: همان‌جا). همچنین «مواردی در این کتاب وارد شده که اصلاً مشخص نیست منشأ آن کجاست» (حسینی‌نژاد: همان‌جا) و «در آن موضوعی طرح شده که برای دانش‌آموزان ضروری نیست» (حدادعادل: همان‌جا).

البته اکبری بیان می‌دارد که «کتاب پایه هفتم (و به تبع آن هشتم) ادامه و زنجیره زبان‌آموزی از پایه اول دبستان است و در ادامه یک سیر آموزشی است. حرکت ما از پایه اول دبستان حرکتی از زبان به سوی ادبیات است تا در پایه‌های پایانی آموزش مدرسه‌ای، وزن ادبی افزایش داشته باشد» (همان‌جا). این در حالی است که دانش‌آموزان کنونی در پایه هفتم و هشتم در دبستان، کتاب‌های غیر روش‌مند قبل از سند تحول را گذرانده‌اند. و دیگر آن‌که همین که در یک سال دو کتاب هفتم و هشتم وارد می‌شود بزرگ‌ترین اشکال به نظر می‌رسد (ذوالفقاری: همان‌جا).

البته نقدهای روانشناختی و اصول علمی و عملی آموزش زبان کتاب‌های چاپ شده سند تحول در دوره دبستان و متوسطه اول در این مجال نمی‌گنجد، اما آنچه مسلم است، این است که محتوای این کتاب‌ها فاصله زیادی با محتوای مناسب برای آموزش علمی و عملی دانش‌آموزان دارد.

نگرش آموزشی و عملی به زبان فارسی و مهارت‌های زبان به‌ویژه، مهارت نگارش در دوره تحصیلات عالی هم، حال و روز بهتری از دوره‌های پیش از آن ندارد. در سطح دانشگاهی، هم اکنون سه رشته مرتبط با زبان فارسی وجود دارد. یکی رشته زبان و ادبیات فارسی و گرایش‌های آن (در مقاطع فوق دیپلم تا دکتری) که از قدیمی‌ترین رشته‌های دانشگاهی ماست. در سال ۱۳۹۱ کمیته برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی در برنامه درسی این رشته بازنگری انجام داد. اعضای این کمیته با صراحت بیان داشتند که رشته زبان و ادبیات فارسی دو محور دارد. یکی زبان فارسی و دوم ادبیات فارسی، اما در برنامه درسی بازنگری شده دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی هیچ نامی از زبان فارسی برده نشده و دروس این رشته در سه زمینه مهارت‌ها، فنون و متون ادبی تنظیم گردیده است. بر این اساس در دروس پایه این رشته دو واحد درسی، با عنوان "آئین نگارش و ویرایش" وجود دارد که این درس همچنان با رویکرد سنتی (پرداختن به تعاریف و انواع و...) به شیوه تجویزی تدریس می‌شود. همچنین چهار واحد "دستور (۱) و (۲)" (معمولاً دستور سنتی) نیز با رویکرد ادبی تدریس می‌شود. در دروس اختیاری زمینه مهارت‌های ادبی این مقطع، عنوان‌های "کارگاهی برای نویسندگی و ویراستاری" در حیطه‌های مختلف (شعر، نمایشنامه نویسی، مقاله نویسی و...) به چشم می‌خورد. اما، در کلیه سر فصل‌های این دروس هم شیوه آموزش عملی و مهارتی جایگاهی ندارد و این دروس نیز با رویکرد سنتی (پرداختن به تعاریف و انواع و...) به شیوه تجویزی تدریس می‌شود. البته در میان این دروس اختیاری، درسی نیز با عنوان "مبانی آموزش زبان فارسی" وجود دارد که با هدف آشنایی با روش‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و با سر فصل‌های آموزش حروف الفبای فارسی، آموزش واژه، آموزش ساختار جملات زبان فارسی، دستور زبان فارسی و درک متون زبان فارسی تدوین گردیده است. در دوره کارشناسی ارشد و دکتری این رشته، وضع آموزش زبان فارسی از این هم بدتر است و هیچ عنوان مرتبط با زبان فارسی، مهارت‌های زبان فارسی و آموزش آن یافت نمی‌شود (رجوع کنید به برنامه درسی مصوب وزارت علوم در وب‌گاه دانشگاه علامه طباطبائی).

بر اساس مطالب بالا در دروس پایه، اصلی و تخصصی رشته دانشگاهی‌ای که نام زبان فارسی را یدک می‌کشد، نه تنها سر فصل مستقلی به زبان فارسی اختصاص نیافته، بلکه برای اشاره به مهارت‌های زبان نیز در هیچ یک از دروس، جایگاهی نمی‌توان یافت. بنابراین، می‌توان گفت که متأسفانه در کلیه مقاطع این رشته، سایه ادبیات فارسی آن‌چنان بر زبان فارسی سنگینی می‌کند که به زبان فارسی حتی به عنوان پایه ادبیات فارسی هم توجه نشده است. بدیهی است که در مقاطع دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فارسی، انتظار آموزش مهارت‌های عادی زبان به دانشجویان وجود نداشته باشد، اما در کشوری که مردم زیادی در مناطق دو زبانه (منطقه‌های کردنشین، ترک‌نشین، عرب‌نشین، لرنشین و...) زندگی می‌کنند و زبان دوم آن‌ها فارسی است، جای این سوال است که آیا نباید در سرفصل‌های رشته مادری همچون زبان و ادبیات فارسی، توجهی هم به زبان و اصول و نظریه‌ها زبان و آموزش آن شود تا فارغ‌التحصیلان این رشته همراه با تسلط بر ادبیات غنی فارسی، بر ساخت زبان فارسی هم شناخت داشته باشند.

قابل ذکر است که در حال حاضر، گروه زبان و ادبیات فارسی کشور درصدد راه‌اندازی رشته‌ای با عنوان آموزش زبان و ادبیات فارسی ویژه غیر فارسی‌زبانان (دوره خاص) در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است. در برنامه‌ریزی مصوب کارشناسی ارشد این رشته فقط دو عنوان درسی با نام "مکالمه پیشرفته" (البته بدون مکالمه

مقدماتی) و "نگارش مقدماتی زبان فارسی" (با هدف آشنایی با قواعد زبان فارسی در حد درست نوشتن جمله‌های ساده فارسی) آن هم در دروس پیش‌نیاز، متناسب با زبان فارسی است. مقطع دکتری این رشته هم در پنج زمینه تخصصی، شامل چهار گرایش ادبی و یک گرایش زبان فارسی، برنامه‌ریزی شده‌است. در گرایش زبان فارسی این رشته، فقط دو عنوان درسی با عنوان‌های "نظام روابط دستوری زبان فارسی" و "ساختمان آوایی و واژگانی زبان فارسی" پیش‌بینی شده‌است. در نتیجه می‌توان گفت در برنامه رشته جدید هم آموزش ادبیات فارسی بر آموزش زبان فارسی سایه افکنده است. (رجوع کنید به برنامه درسی مصوب وزارت علوم در وبگاه دانشگاه علامه طباطبائی). رشته دیگری که کاملاً مرتبط با زبان فارسی است، رشته آموزش زبان فارسی در مقطع کارشناسی ارشد است. این رشته کمتر از یک دهه است که در دانشگاه‌های کشور برگزار می‌شود. در سر فصل‌های این رشته آشنایی با مهارت‌های زبان از جمله مهارت نگارش جایگاه مناسبی دارد (نگاه کنید به وبگاه دانشگاه پیام نور). با این حال، نگارندگان این مقاله با توجه به جدید بودن این رشته و مطالعه منابع این دروس در وجود محتوای علمی و عملی مناسب برای این سرفصل‌ها تردید دارند.

رشته سوم، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (آزفا) در مقطع کارشناسی ارشد است که حدود دو دهه از حضور آن در بین رشته‌های دانشگاهی می‌گذرد. در این رشته با توجه به رویکرد زبان‌شناسی کاربردی آموزش زبان، سرفصل‌هایی مرتبط با زبان فارسی و آموزش آن وجود دارد (رجوع کنید به وبگاه دانشگاه علامه طباطبائی). مناسب‌ترین آن‌ها شامل دروسی مربوط به ساخت زبان فارسی (آوا شناسی، صرف و نحو و ...)، دروسی درباره اصول و نظریه‌های یادگیری و ارزشیابی زبان و نیز تدوین محتوای درسی زبان، تدریس عملی و روانشناسی زبان است. اما، متأسفانه مشاهده می‌شود که بعد از دو دهه کار دانشگاهی در این زمینه، هنوز محتوای منسجم و روش‌مند آموزشی و ارزشیابی در زمینه مهارت نگارش برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان وجود ندارد (نگاه کنید به کتاب‌شناسی آزفا نوشته مؤلفان این مقاله). پژوهشگران این تحقیق یکی از دلایل این مساله را کمی پژوهش بر روی محتوای مهارتی زبان فارسی به ویژه مهارت نگارش در کشور می‌دانند.

آسیب‌شناسی مهارت نگارش در نظام آموزشی کشور ما نشان می‌دهد که نبود محتوا بر مبنای روش صحیح و عدم آموزش هدف‌مند نگارش در آموزش و پرورش، همچنین عدم تربیت نیروی آگاه به ویژگی‌های زبان فارسی و مهارت‌های زبان در آموزش عالی باعث شده که از معلمان آموزش ندیده، انتظار داشته باشیم، با تکیه صرف بر شمّ زبانی، ذوق، استعداد و خلاقیت شخصی، به آموزش بپردازند و از دانش‌آموزان نیز انتظار داشته باشیم که نه تنها یاد بگیرند، بلکه آن را در عالی‌ترین سطح به‌کار بندند و در مدرسه، انشای ادبی و سپس در دانشگاه مقاله علمی بنویسند. باید توجه داشت شمّ زبانی، فقط می‌تواند نیازهای معمولی و ابتدایی گویشور زبان را برطرف کند، نه نیازهای آموزشی او را، آن هم در سطوح عالی. همچنین باید دانست که ادبیات مرحله هنری و فراتر زبان است و کسی بدون تسلط نسبی بر مهارت‌های زبان نمی‌تواند، زبان را پیرایه بندد و به آن قالبی ادبی و هنری بخشد.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در عصری که متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که ذوق باید تربیت شود، استعداد باید شکوفا گردد و خلاقیت قابل پرورش است، چگونه می‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که متن ادبی را بر اساس ذوق و استعداد و خلاقیت خام و خدادادی خود بنویسند تا مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵. راهکار تقویت نگارش

دستیابی به مهارت نگارش مانند مهارت‌های دیگر با آموزش درست و پشتکار در تمرین امکان‌پذیر است. در جهت آموزش نوشتن راهمن^{۱۱} (۱۹۶۵) مراحل تولید یک متن را به سه قسمت پیش از نوشتن، نوشتن و

بازنویسی، تقسیم می‌کند و مرحله اول را که از اهمیت زیادی در نگارش برخوردار است، مرحله کشف می‌نامد. در مرحله کشف، معلمان باید با ارائه موضوعات مختلف بر اساس اهداف مورد نظر و انجام بحث‌های منسجم کلاسی بر سر موضوعات مطرح شده، دانش‌آموزان را هدایت نمایند. در این مرحله، دانش‌آموزان باید هدایت شوند تا قوه تعمق و تخیل خود را در مورد موضوعات مورد نظر به‌کارگیرند و به تمام جنبه‌های آن‌ها پردازند.

با دسته‌بندی اهداف می‌توان به دسته‌بندی روش‌مند موضوع و محتوا و تدوین مواد درسی رسید. در واقع هدف، تأثیر زیادی بر روی نوشته دارد. وودز^{۱۳} (۲۰۰۸: ۱۰۷-۱۱۶) معتقد است که نوشته می‌تواند با هدف اطلاع رسانی، جلب توجه مخاطبان به امری، بیان نظرات و احساسات یا لذت بخشیدن به خوانندگان و ... باشد، اما به هر دلیل که مطلبی نوشته شده باشد، می‌توان آن‌را در یکی از قالب‌های چهارگانه زیر قرار داد:

آن‌نوشته‌های روایی^{۱۴}: در مورد اتفاقاتی است که برای نویسنده رخ داده یا آن‌ها را مشاهده کرده‌است و شبیه داستان‌گویی است. مثل، نوشتن خاطره‌ای از اولین روز مدرسه.

ب-توصیفی^{۱۵}: در مورد شرح شکل ظاهری یک شخص، شیء و یا یک مکان است. یکی از دلایل مهم نوشتن انشاهای توصیفی، آشنا ساختن مخاطب با چیزی است که او هنوز ندیده و در آینده با آن مواجه خواهد شد. مثل توصیف زادگاه و یا شهری خاص. در چنین انشایی نویسنده باید از صفتهای زیادی استفاده نماید و در این راه باید از حواس پنج‌گانه به خوبی کمک گیرد.

پ-استدلالی^{۱۶}: دفاع از آرا و نقطه نظر خاصی خاص و قانع کردن خواننده در آن زمینه است. در این راه نویسنده خود باید به خوبی ایده اصلی را بداند، درک خوبی از خواننده داشته باشد و از دلایل محکمی استفاده نماید. مثل این موضوع که اینترنت به بشر امروزی بیشتر خدمت کرده و یا ضرر رسانیده است.

ت-تفسیری^{۱۷}: در مورد توصیف دقیق چیزی با استفاده از اطلاعات درست و نه احساسات است. در چنین نوشته‌هایی از روش‌های علمی مانند دسته‌بندی بهره می‌گیریم، مثل شرح مراحل احتراق سوخت در موتور اتومبیل. برنامه‌ریزی آموزشی در مرحله نوشتن نیز نقش برجسته‌ای برعهده دارد. برنامه صحیح می‌تواند با ارائه موضوعات مختلف بر اساس اهداف تعیین شده و انجام تمرینات متنوع و هدف‌مند در کلاس درس، دانش‌آموزان را تشویق به نوشتن کند. راهکارهای فعال برای رسیدن به زیر بنای نگارش، تدوین تمریناتی است برای آموزش نحو زبان (ساختارهای دستوری)، دستور زبان (قواعد حاکم بر نظام واژگانی و الگوهای دستوری و انواع جمله‌ها)، ساختار متن (قواعد حاکم بر پاراگراف بندی و نشانه‌های انسجام و همبستگی)، چگونگی انتخاب واژه‌های مناسب و منطق حاکم بر محتوای متن (ضیاءحسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). در این مرحله دانش‌آموزان باید سعی نمایند که بر اساس قالب مناسب نگارش، جملات مرتبط خود را انتظام بخشند و در هر جا که لازم است از حروف ربط و جملات کامل‌کننده برای حفظ سیر منطقی نوشته استفاده نمایند. اگر این فعالیت‌ها و تمرینات از روال منطقی جزء به کل برخوردار باشند، می‌توان امید داشت که در آینده، نویسندگان خوبی تربیت خواهند شد.

مرحله پایانی نگارش یک متن نیز، بازنویسی است. این مرحله می‌تواند بارها رخ دهد؛ یعنی، دانش‌آموزان باید فرا بگیرند که با یک بار نوشتن متن و یک بار مرور سریع آن، کار نگارش به پایان نرسیده است. در این مرحله، ابتدا دانش‌آموزان باید با چندین بار مرور نوشته و حتی بلندخوانی متن، سعی نمایند که ایرادات نوشته اعم از نکات

13 - Woods

14 - narrative

15 - descriptive

16 - argumentative

17 - expository

سجائندی و املائی و دستوری را برطرف نمایند و ارتباط بین جملات و بندها را نیز بررسی نمایند که در صورت لزوم کلمات و یا جملاتی به نوشته افزوده و یا از آن، بکاهند و در آخر ببینند که کل متن از نظر رساندن معنا مشکلی نداشته باشد و بعد از تمام این مراحل، این روند در کلاس درس و در حضور دانش‌آموزان دیگر و معلم نیز تکرار شود و ابهامات و مشکلات احتمالی آن به بحث گذاشته شود.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

دست‌یابی به مهارت نگارش مانند هر مهارت دیگر با آموزش و تمرین امکان‌پذیر است. اما آسیب‌شناسی مهارت نگارش در نظام آموزشی کشور ما نشان می‌دهد، کمبود نیروی آگاه به ویژگی‌های زبان فارسی و مهارت‌های زبان و نبود محتوا بر مبنای روش صحیح، همچنین عدم آموزش هدف‌مند نگارش باعث شده که ما هم در زمینه آموزش نگارش و هم در زمینه محتوای تمرینی، با ضعف شدید مواجه باشیم. به همین دلیل این پژوهش با هدف ارائه راهکار برای تقویت مهارت نگارش نوشته شده است و به این نتیجه رسیده است که راهکار تقویت مهارت نگارش، تلفیق مفاهیم نظری و فعالیت‌های مهارتی است. برای دست‌یابی به این هدف باید محتوای آموزشی بر اساس اصول آموزش مهارت‌های زبان و مفاهیم پایه زبان فارسی تدوین گردید. مهم‌ترین مباحث در این آموزش عبارتند از: چگونگی دست‌یابی به ابعاد موضوع نگارش، آموزش و تمرین واژگان پرکاربرد و کلیدی هر سر فصل با بار عاطفی خاص خود، آموزش به کارگیری ساختار جمله‌های ساده و مرکب آن مبحث و آموزش روش‌های ارائه آن سر فصل، انسجام متن، شروع و پایان متناسب و توجه به انواع ویرایش‌هاست.

۷. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

از آن‌جا که آموزش و ارزشیابی نگارش در کشور ما همچنان سنتی و سلیقه‌ای است. به همین دلیل ضرورت دارد پژوهش‌هایی درباره قسمت‌های مختلف مهارت نگارش انجام شود و بر اساس آن پژوهش‌ها، محتوای درسی منسجم و هدفمند تدوین گردد تا در آینده بتوان بر اساس آن‌ها آموزش نگارش را علمی و ارزشیابی را دقیق کرد. از مهم‌ترین مباحث نگارش می‌توان مقایسه، خلاصه نویسی، توصیف، متن‌های علت و معلولی و ... را نام برد.

کتابنامه

- اکبری شلدره‌ای، فریدون و همکاران. (۱۳۸۸). *فارسی اول راهنمایی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران*.
 _____. (۱۳۸۹). *فارسی دوم راهنمایی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران*.
 _____. (۱۳۹۰). *فارسی سوم راهنمایی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران*.
 حق‌شناس. علی محمد و همکاران. (۱۳۹۰). *زبان فارسی (۱)*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران.
 _____. (۱۳۹۱). *زبان فارسی (۲)*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران.
 _____. (۱۳۹۲). *زبان فارسی (۳) عمومی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران*.
 _____. (۱۳۹۲). *زبان فارسی (۳) تخصصی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای ایران*.
 دانای طوسی، مریم و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). ((رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران))، فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری - های آموزشی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱۰۰ - ۷۵.
 دفتر تألیف کتاب‌های درسی. (۱۳۹۳). *کتاب راهنمای معلم: آموزش مهارت‌های نوشتاری*. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.

- سمیعی، احمد. (۱۳۸۱). ((راه‌های آموزش انشا))، *ره‌یافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا* (مجموعه مقالات)، به کوشش سیدحسین حسینی‌نژاد، تهران، سهیل پویش، صص ۱۰۸-۱۰۳.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۱). ((ضرورت اندیشیدن در انشا))، *ره‌یافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا* (مجموعه مقالات)، به کوشش سیدحسین حسینی‌نژاد، تهران، سهیل پویش، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- ضیاءحسینی، سید محمد. (۱۳۸۵). *اصول و نظریه‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، تهران، انتشارات سخن.
- قادری دوست، الهام و دانای‌طوسی، مریم. (۱۳۸۹). ((مطالعه اهداف و مولفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی (خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن) در برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران))، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، شماره ۳۵، ۶۵-۲۳.
- قره‌گزی، مه‌ری و اصغری‌پور ماسوله، مهرداد. (۱۳۹۲). کتابشناسی توصیفی آزفا (آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان)، زیر نظر دکتر محمد دبیرمقدم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- گله‌داری، منیژه. (۱۳۸۸). *نگارش و دستور زبان فارسی*. سطح پیشرفته. تهران، مهرآئین، چاپ اول.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- نصیری، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *وضعیت تدریس انشای فارسی در پایه پنجم ابتدایی مدارس تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Byrne, D. (1988). *Teaching writing skills. (New ed.)*. NY: Longman.
- Clark, L. I. (2012). *Concepts in Composition: Theory and Practice in the Teaching of Writing*. NY: Routledge
- Hillocks, George, Jr. (1984). "What Works in Teaching Composition: A Meta-Analysis of Experimental Treatment Studies." *American Journal of Education* 93 (1): 133-170
- Miller, Carolyn R. (1984). "Genre as Social Action." *Quarterly Journal of Speech* 70: 151-176.
- Penrose, Ann M. and Cheryl Geisler. (1994). "Reading and Writing Without Authority". *College Composition and Communication* 45 (4): 505-520.
- Rohman, D. G. (1965). *Pre-writing: The stage of discovery in the writing process*. College of Composition and Communication, 16, 106-112
- Widdowson, H. G. (1996). *Teaching Language as Communication*. New York: Oxford University Press.
- Williams, Joseph M., and Gregory G. Colomb. (1993). "The Case for Explicit Teaching: Why What You Don't Know Won't Help You." *Research in the Teaching of English* 27: 252-264.
- Woods, G. (2008). *AP English Language & Composition For Dummies*. Indianapolis: Wiley Publishing, Inc.

وب‌گاه‌ها

<http://ww.reg.pnu.ac.ir><http://litd.atu.ac.ir><http://www.persianacademy.ir>

سیستم جامع گلستان پیام نور

دانشگاه علامه طباطبائی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی